

یاسین و اوصاف قرآن؛ در قرآن

احمد صادق اردستانی

چکیده

واژه «قرآن» پیام قرائت و خواندن دارد. این پیام، دارای عظمت و شکوه درخشانی است، که با «فرقان» یعنی: تفکیک حق از باطل، راه خیر و صلاح مادی و معنوی را فرا راه انسان قرار می دهد، تا با دریافت «بشارت» شیوه «حکمت» و استواری در زندگی را برگزیند و در پرتو «هدایت» که با «لسان عربی» وحدت امت اسلامی را تبلور می بخشد، به «شفای دردهای مادی و معنوی خویش» اقدام نموده و مجد و عظمت و سعادت دنیوی و اخروی خود را به دست آورد. و در این مقاله به بعضی از اوصاف قرآن در قرآن و سوره یاسین اشاره می گردد.

کلید واژه: اوصاف قرآن، یاسین، بشارت، حکمت، هدایت.

طبق تصریح آیات متعددی، نام های کتاب آسمانی ما: کتاب، قرآن، فرقان و «ذکر» است، که کتاب حدود ۱۰۰ بار، قرآن ۶۷ بار، فرقان ۷ مرتبه و ذکر، حدود ۱۰ بار مطرح گردیده است.

از مجموع ۳۹۰ آیه ای، که نام ها و اوصاف قرآن را بیان کرده، ۳۸ نام و صفت به دست می آید، که در این مقال، با توجه به مجال محدود، ۹ مورد را که می توان مهم ترین و سرنوشت سازترین ویژگی های این کتاب عظیم و حیاتی دانست، به طور خلاصه به مطالعه می گذاریم:

۱. قرآن کریم

قرآن با صفت «کریم» در آیه ۷۷ سوره واقعه آمده و با توجه به این که دو آیه قبل از آن، سوگند خدای متعال مطرح است، تا با بیان عظمت اسرار نظام خلقت افراد را به پیروی از این کتاب آسمانی فرا خواند، می فرماید: «آن چه را رسول خدا (ص) برای شما آورده، قرآن کریم است»، تا مخالفان و عصیانگران توجه کنند، هم خداوند متعال کریم است و هم آیاتی را که بر افراد بشر نازل فرموده، کریم می باشد. زیرا در ادبیات عربی، واژه «کریم» آن جا به کار می رود، که کسی بدون هیچ گونه چشم داشتی به دیگران اکرام و احسان و نفعی می رساند و هیچ گونه غرض سوء و ناصالهی هم در کار نیست.^۱

یعنی، منش و روش قرآن در برابر افراد لجوج، که گاهی تأثیرگذاری آیات وحی رانوعی جادوگری و کهنات می پنداشتند و به عصیان و ماجراجویی دامن می زدند، منش و روش کریمانه، صلح جو یانه و خلاصه عفو و گذشت و جذب افراد به خواندن و فهمیدن و به کار بستن دستورات سرنوشت ساز این کتاب آسمانی است.

۲. قرآن عظیم

وقتی قرآن، فلسفه خلقت آسمان و زمین و آن چه در میان آنهاست را بیان می کند و حتمی بودن معاد و روز قیامت را اعلام می دارد، طبیعی است، که فهم و درک و پذیرش این معارف عمیق، برای اشخاصی که در سطح پایینی از شعور انسانی بودند، بسیار سخت بود و از طرف دیگر برای رسول خدا (ص) هم تبیین و انتقال چنین فرهنگ آسمانی به افراد بدوی بسیار دشوار بود و قهرآ نگرانی و مشکلاتی برای آن بزرگوار به دنبال داشت، خداوند متعال، پس از دستور به عفو و گذشت در برابر خطاهای مخالفان، برای دلگرمی، امیدواری و تسلی خاطر آن گرامی می فرماید: «ما به تو، سوره حمد و قرآن عظیم را دادیم».^۲

بنابراین، قرآنی که در بردارنده همه معارف درخشان و مورد نیاز مادی و معنوی و دنیوی و اخروی بشریت می باشد، «عظیم است» این سرمایه بس بزرگی است، که پیامبر (ص) داده شده و در برابر آزار و اذیت دشمنان و مخالفان، که ناچیز و بی ارزش می باشد، قرآن که عطا شده خدای متعال است، نعمت و سرمایه عظیم خواهد بود.

۳. کتاب حکیم

در برابر بهانه جویان، که مثلاً چرا این آیات بر کس دیگری نازل نشده؟ یا چرا مانند داستان‌ها و اسطوره‌ها نیست؟ قرآن در جواب می‌فرماید: «وَالْقُرْآنَ الْحَكِيمَ * إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ» (یس، ۲/۳۶ و ۳)؛ سوگند به قرآن حکیم که تو از رسولان - خداوند - هستی «تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ» (یونس، ۱/۱۰)؛ آن‌ها آیات کتاب حکیم است.

یعنی: خداوند آیات و دستورات و معارف این کتاب آسمانی را، استوار و محکم، حکیمانه و خردمندانه و دارای نظم و پیوستگی و حساب و کتاب جدی و بی‌نظیری می‌داند، که از طرفی تعهدآور و مسئولیت‌آفرین بوده و از طرف دیگر، اتقان و استحکام هیچ کتاب و منشور و آئین‌نامه‌ای، به گونه‌ای همه‌جانبه، اجتناب‌ناپذیر و جاویدان باشد، با اتقان و انسجام و استحکام این کتاب برابری نمی‌کند و این معارف، هم‌چنان متقن و محکم و خدشه‌ناپذیر خواهد بود.

۴. قرآن مجید

توصیف قرآن با واژه «مجید» در آغاز سوره «ق» و آیه ۲۱ سوره «بروج» آمده، در اول خداوند در برابر کافران و کسانی که از آمدن پیامبر انذارگری که از میان خود آنان آمده و از جنس بشر است، اظهار شگفتی و بهانه‌جویی می‌کردند، خداوند برای تحکیم عقیده به وحی و نبوت «به قرآن مجید سوگند می‌خورد» و در آیه‌های ۲۱ و ۲۲ سوره «بروج» پس از بیان سرگذشت تلخ و شکست و سقوط سپاه فرعون و ثمود و سایر قدرت‌مداران عنود و عصیانگر در برابر آئین توحید و کتب آسمانی، و برای این که ذهن افراد را از اوهام و طرح جادوگری و دروغ‌پردازی پیراسته گرداند، می‌فرماید: «بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَّجِيدٌ * فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ» (البروج، ۲۲-۲۱/۸۵)؛ - این سخن سحر و بی‌اساس نیست - بلکه قرآن مجید و با عظمت است، که در «لوح محفوظ» جای دارد.

مجید، یعنی: چیزی که مجد و عظمت و شرافت و اصالت دارد، و مجد و عظمت و تعالی نیز می‌آفریند، به خصوص این که سرمایه این مجد و عظمت و شرافت، در «لوح محفوظ» قرار دارد و اصالت و استحکام آن به خاطر ارتباط با ذات مقدس آفریدگار عالم هستی، ابدی و جاویدان است.

۵. کتاب بشارت

قرآن با نام خدا آغاز می شود، در آغاز هر سوره، سخن از رحمت و رحمانیت پروردگار عالم مطرح است و هدایت آن هم بزرگ ترین راهنمایی و راه گشایی برای همه شئون مورد نیاز جامعه بشری است و آن گاه هم که این هدایت استوار و مطمئن قرآنی مطرح می شود، به دنبال آن می فرماید: «وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنْ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» (الاسراء، ۱۷/۹)؛ به مومنانی که کارهای مطلوب و شایسته انجام می دهند، مژده می دهد، که برای آنان پاداش بزرگی خواهد بود. بدیهی است، که مخاطب قرآن «کافه» و همه افراد جوامع بشری هستند، که با آنان با رحمت و بشارت سخن آغاز می شود و دعوت صورت می گیرد، ولی فقط این مؤمنان هستند، که دعوت را می پذیرند و به احکام و معارف قرآنی گردن می نهند و مشمول «بشارت و مژده» واقع می شوند، اما آنانی که دعوت و هدایت را نمی پذیرند، قهراً به خاطر عصیان و حق گریزی «خود کرده را تدبیر نیست» از این بشارت محروم اند و بلکه به خاطر عصیان خویش، سزای عقاب و عذاب - دنیوی و اخروی - خواهند داشت. ۳

۶. شفای دردها

ویژگی و خصلت دیگر قرآن، درمان و شفابخشی است، در این باره خداوند فرموده: «وَنُزِّلَ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» (الاسراء، ۱۷/۸۲)؛ و ما آنچه را برای مؤمنان، مایه درمان و رحمت است، از قرآن نازل می کنیم، ولی ستمگران را جز زیان نمی افزاید. می دانیم، که انسان ها و جوامع بشری نوعاً به بیماری های گوناگونی، در فکر و عقیده، در جسم و جان و در رفتارهای ناهنجار فردی و اجتماعی مبتلا می شوند و آثار این بیماری ها علاوه بر خود افراد، گاهی حالت مسری به خود می گیرد و بخش عظیمی از جوامع را دچار خسران و زیان های مادی و معنوی می گرداند، و بالاخره «نسخه شفابخش قرآن» گاهی به خاطر عدم به کارگیری، ناقص عمل کردن و به عکس عمل کردن و خلاصه عصیان و لجبازی و نادانی، موجب خسران و زیان ستمگران و افراد سرکش و خودسر می شود، که نمونه های مختلف تاریخی را خواننده و هم اکنون نیز شواهد و مصادیق متعددی در جوامع بشری مشاهده می کنیم.

یعنی، صرف نظر از «بیماری های جسمی» که آن ها هم نوعاً به خاطر عدم توجه به

راهنمایی‌ها و موازین قرآنی و اسلامی است^۴ بیماری‌های فکری و روانی، که قرآن با تعبیر: «شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ» (یونس، ۵۷/۱۰) در مقام مداوا و معالجه آن‌هاست، بیماری‌هایی هستند که فکر و اندیشه، رفتار و روابط خانوادگی و اجتماعی و خلاصه فرهنگ جامعه را تحت سلطه خود قرار داده، حق‌کشی‌ها، تجاوزگری‌ها، کشتارها و آوارگی‌های دردناک و خانمان‌سوزی را در گستره جوامع پدید آورده، که اکنون، پاپ بندیکت شانزدهم، رهبر کاتولیک‌های جهان هم، فریاد برآورده: «پیشرفت تکنولوژی بدون حضور خدا و ارزش اخلاقی، تهدیدی برای جهان محسوب می‌شود!»^۵.

آری، یکی از ویژگی‌ها و نتیجه پذیرش معارف قرآن «شفابخشی است» که به کارگیری علمی و همه‌جانبه آن می‌تواند همه دردهای اقتصادی، فرهنگی و خلاصه مشکلات فردی، خانوادگی و اجتماعی را درمان بخشد و جامعه‌ای را، که هم اکنون به آسیب‌ها، نابسامانی‌ها، آشفتگی‌ها و فقرها و نیازمندی‌های مادی و معنوی مبتلاست، نجات بخشد.

امام علی (ع) نیز فرموده: «از این کتاب بزرگ آسمانی، برای بیماری‌های خود شفا بخواهید، و برای حل مشکلات خویش یاری بجوید، زیرا در این کتاب، درمان بزرگ‌ترین دردهایی چون درد کفر و نفاق و گمراهی و ضلالت وجود دارد»^۶.

۷. هدایت و راهبری

ویژگی مهم و سرنوشت‌ساز دیگر قرآن، که می‌توان همه اهداف این کتاب آسمانی را در آن خلاصه کرد «رسالت و هدایت و راهبری است». این ویژگی و وصف، در آیات متعدد آمده و از جمله می‌خوانیم: «... أَنْزَلَ فِيهِ الْقُرْآنَ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ...» (البقرة، ۱۸۵/۲)؛ - در ماه رمضان - قرآن نازل شده، کتابی که مردم را راهبری می‌کند و در آن دلایل روشنی برای هدایت و تشخیص حق از باطل وجود دارد.

خلاصه، هدایت‌گری قرآن به طور صریح و با تعابیر مختلف و به طور کلی در سراسر این کتاب عظیم آسمانی، آن هم به استوارترین و مطمئن‌ترین راه مطرح است تا همگان راه حق و صلاح و رشد و کمال را، از انحراف و اعوجاج و گمراهی و تباهی و نابودی باز شناسند، و به زندگی سالم و شرافت‌مندانه و عاقبت به خیرانه دست یابند.

نور هر گوهر، کز و تابان شدی حق و باطل را ازو، فرقان شدی

نور فرقان، وقت کوری بهر ما
نور گوهر، نور چشم ماشدی

ذره ذره، حق و باطل را جدا
هم سؤال و هم جواب ماشدی^۷

۸. کتاب خیر و صلاح

در روزهای آغازین بعثت و دعوت رسول خدا (ص) در مکه، هر گاه گروه تازه‌ای به آن شهر وارد می‌شدند و دربارهٔ مکتب و کتاب و رسالت آن حضرت جويا می‌شدند، مشرکان و مخالفان و توطئه‌گران، که گاهی منسجم و سازمان یافته هم بودند، آیات قرآن و معارف آسمانی آن را «اساطیر»^۸ یعنی افسانه‌ها و سرگذشت بی‌اساس و بی‌پایه گذشتگان معرفی می‌کردند، تا چهرهٔ آسمانی پیامبر (ص)، در ذهن افراد تازه وارد، منفی جلوه داده شود و آنان تحت تأثیر کلام وحی آن بزرگوار قرار نگیرند!^۹ اما، وقتی آن افراد، با مؤمنان و پرهیزگاران ملاقات می‌کردند و دربارهٔ قرآن و محتوا و مطالب خدایی آن پرس و جو می‌کردند، می‌گفتند: «خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَكَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ» (النحل، ۳۰/۱۶)؛ خیر - و صلاح و سعادت - برای کسانی که نیکی کردند، در این دنیا خیر و صلاح مقرر است و پاداش آخرت آنان هم بهتر است و چه خوب و نیک است، سرا - و جایگاه - پرهیزگاران. بنابراین، در این آیه، قرآن با عناوین «خیر» توصیف شد، پاداش دنیوی نیکوکاران «حسنة» بیان گردیده و عاقبت و آخرت پرهیزگاران، «بهترین» و «نیک‌ترین» سرای زندگی جاویدان معرفی شده است، که دقت در مفاهیم گسترده «خیر» و «حسنة» و «بهترین سرای آخرت» همهٔ زیبایی‌های انسانی، اعم از فردی و اجتماعی، مادی و معنوی و خلاصه دنیوی را به نمایش می‌گذارد، تا افراد در پرتو همهٔ «خیرهایی» که در برابر همهٔ «شرور» و پلیدی‌ها قرار دارد و دریافت «حسنة» که همهٔ خوبی‌های زندگی مادی و معنوی را شامل می‌شود، به منظور بهره‌وری از همهٔ «خیرها» و «حسنة‌ها» خویشتن را از همهٔ «شرور» و «زشتی‌ها» وارهانند، به تکامل انسانی دست یابند و علاوه بر استفاده از همهٔ مواهب مباح و طبیعی پهنهٔ جهان خلقت و آبادانی زندگی دنیوی، آخرت سعادت‌مندانه خود را نیز تأمین نمایند.

۹. لسان عربی

آخرین وصف قرآن را، که از زبان قرآن در این جا مطرح می‌کنیم «لسان عربی بودن قرآن

است» که این توصیف با عبارت: «قرآناً عربیاً» در شش جای قرآن مطرح گردیده است.^{۱۰} باری، قرآن در شبه جزیره عربستان بر پیامبر اسلام (ص) نازل شده، زبان آن حضرت و آن جامعه عربی است، مسلمانان وظیفه دارند، حداقل هفده نماز واجب را در هر شبانه روز به عربی بخوانند و این وحدت زبانی به عنوان یک «زبان بین المللی اسلامی» همه مسلمانان را با هر رنگ و نژاد ملزم می کند، که لوازم و تبعات این «وحدت زبانی» را حول فرامین خدای یگانه، که یک کتاب را آئین نامه زندگی آنان قرار داده، به سوی یک قبله فراخوانده، تا در یک مسیر و به سوی یک هدف حرکت کنند، یک دیگر را به مصالح خویش آگاه کنند، به یاری یکدیگر بشتابند، راحتی دیگران را راحتی خویش، رنج و گرفتاری هم کیشان خود را، رنج و گرفتاری خویش محسوب دارند و برای رفع آن کوشا باشند.

آری، خداوند فرموده: ما قرآن را به عربی نازل کردیم، تا شما آن را درک کنید - پیرامون آن اندیشه خود را به کار گیرید - و ضمناً عربی بودن قرآن برای پیامبری که خود عرب بوده و گاهی بهانه جویان، شایعه سازی کردند، که این مطالب را یک «عجمی» و غیر عرب به آن حضرت تعلیم داده، پاسخ داده باشد، که چگونه یک غیر عرب در آن روزگار نادانی و بی سواد می توانسته این همه معارف و مطالب عمیق و حکیمانه را آموزش داده باشد؟ که اصولاً اگر افراد عرب ادیب هم متحد شوند، حتی از لحاظ ادبی هم نمی توانند «یک سوره» مثل قرآن را بیاورند؟!^{۱۱}

علاوه بر این، خداوند می فرماید: «اگر قرآن را عجمی هم قرار می دادیم، حتماً می گفتند: چرا آیات آن روشن نیست و پیچیده است؟» (فصلت، ۴۴/۴۱) و برای امت عرب کارساز نیست! به هر حال، زبان قرآن به عنوان یک زبان قوی، همه جانبه، فراگیر و غنی و بی مانند، زبان عربی است، اولیای اسلام به فراگیری این زبان توصیه اکید کرده، امام صادق (ع) نیز فرموده: «تعلّموا العربیة، فإنّها کلام الله الذی یکلم به خلقه»^{۱۲}؛ زبان عربی را فراگیرید، زیرا این زبان، زبانی است، که خداوند به وسیله آن با خلق خود سخن گفته است.

بنابر آن چه مطالعه کردیم، ۹ مورد از اوصاف مهم قرآن را به طور خلاصه آوردیم، که عبارت بودند از: کریم بودن، عظیم بودن، حکیم بودن، مجید بودن، بشارت دادن، شفا بخشی دردها، هدایت و راهبری، خیر و صلاح بودن و لسان عربی داشتن، اما اوصاف دیگر، یعنی: نور، تنزیل، حدیث، موعظه، تذکره، حکم، مهیمن، سراج، ذکری، هادی،

نعمت، رحمت، جبل، عزیز، نذیر، مبین، مبین، میسر، شافی، صراط مستقیم، روح، قصص، حق، بیان، تبیان، بصائر، فضل و مبارک، اوصافی هستند که به طور صریح و کنایه و اشاره از زبان خود قرآن بیان گردیده، که بررسی و تبیین آنها، مجال دیگری را می طلبد.

-
۱. التعريفات/ ۱۲۹.
 ۲. الحجر، ۸۵/۱۵-۸۷.
 ۳. الاسراء، ۱۰/۳.
 ۴. رجوع کنید، به تألیف دیگر این جانب: راه جوان ماندن با غذا و دواهای گیاهی.
 ۵. روزنامه اطلاعات، ۱۳۹۱/۱/۲۱، شماره ۲۵۲۸۳/ ۱۶.
 ۶. نهج البلاغة دکتر صبحی صالح/ ۲۵۰/ خ/ ۱۷۶.
 ۷. مشنوی معنوی/ ۱۲۶.
 ۸. در قرآن، کلمه «اساطیر» از سوی کافران و مشرکان، درباره
 - پیامبران (ع) ۹ بار آمده است. الانعام، ۲۵/۶؛ الانفال، ۳۱/۸؛ النحل، ۲۴/۱۶؛ المؤمنون، ۸۳/۲۳؛ الفرقان، ۵/۲۵؛ النمل، ۹۸/۲۷؛ الاحقاف، ۱۷/۴۶؛ القلم، ۱۵/۶۸؛ المطففين، ۱۳/۸۳.
 ۹. مجمع البيان في تفسير القرآن، ۳/ ۳۵۶.
 ۱۰. يوسف، ۲/۱۲؛ طه، ۱۱۳/۲۰؛ الزمر، ۲۸/۳۹؛ فصلت، ۳/۴۱؛ الشوری، ۷/۴۲؛ الزخرف، ۳/۴۳.
 ۱۱. البقرة، ۲۳/۲؛ یونس، ۱۰.
 ۱۲. الخصال «شیخ الصدوق»/ ۲۵۸/ ح/ ۱۳۴؛ سفینه البحار، ۴۳۷/۳.